

هدایت، پیاده شدن دین و نبود فتنه خط قرمز هدف خداوند

توجه به این خط قرمز به عنوان بنیادی حاکم بر تفسیر قواعد و تفسیر نصوص و پایه مصلحت شرعی است. با این توضیح:

تامل در نصوص دینی، مقاصد عالی خداوند در بعث رسل، انزال کتب و تشریح مقررات و مراجعه به عقل هادی است که آن چه در نگاه شارع اصالت دارد، هدایت انسان ها به حق و صراط مستقیم است و از مصادیق بارز وجود فتنه ضلالت انسان ها و از مصادیق نبود فتنه، هدایت ایشان است.

• وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كَلَهُ لِلَّهِ ...

به اقتضای کریمه فوق، جهاد و مقاتله کفار فاقد اصالت بوده و به عنوان یک طریق به نبود فتنه و حاکمیت دین مطرح است. آن چه اصالت دارد، بند دوم و سوم آیه است؛ بر این بنیان هر گاه اعطای مصونیت به دیگران یا اخذ آن از دیگران در راستای هدایت انسان ها قرار گیرد، مشروعیت پیدا می کند و در مواردی نه تنها جایز بلکه امری متعین و واجب شرعی خواهد بود. طبیعی است نگاه فوق می تواند به مجموعه تراث ملفوظ و سیره های رفتاری پیامبر و معصومان - علیهم السلام - دلالتی خاص بدهد و به تعبیر دیگر باید از نگاه فوق به عنوان کارایی تفسیری و در خدمت نصوص ملفوظ و غیر ملفوظ دینی استفاده کرد. نظیر استفاده ای که در مجال حاضر از مبارکه انفال صورت گرفت.

بحث را در حالی پایان یافته تلقی می کنیم که مجال گفتگو در برخی ساحت های مساله (مشارکت سیاسی مردم) وجود دارد ولی آن را به مناسبات دیگر وامی گذاریم.

۲-۳. مشارکت غیر سیاسی^۲

در مساله ششم به دونه مشارکت اشاره شد: سیاسی و غیر آن .

آن چه گذشت، مشارکت سیاسی بود، بخش دوم با اختصار جدی برگزار می شود؛ بدین قرار:

مشارکت غیر سیاسی دارای انواعی است؛ از قبیل: اقتصادی، فرهنگی، علمی و ...

پیشفرض ها و مبانی بحث

شکی نیست که بیان نوع مشارکت مردم و گستره آن تابع برخی مبانی و پیش فرض ها است؛ از این قبیل:

- حدود و گستره شریعت، تا کجا است؟
- الناس مسلطون تا کجا ؟
- آیا در اسلام نظاماتی خاص چون نظام اقتصادی ویژه وجود دارد؟

۱. انفال: ۳۹.

۲. عطف بر «۱-۳- مشارکت سیاسی»، ص ۱۲۹.

- تفسیر ولایت حاکم
- و حدود اختیارات والی و امام در مال مردم و بیت المال از پیش فرض های اثرگذار دیگر است؟
- آیا انفال و سایر اموال عمومی تابع مرزهای ملی و جغرافیایی است؟
- نحوه نگاه مردم به حاکمیت و بالعکس (به غیر از جنبه سیاسی آن که به بخش اول مربوط است)
- جایگاه مشورت گرفتن از مردم و مشورت دادن به حکومت به عنوان حق و تکلیف دو طرف
- و...

بخشی از مؤلفه های تعیین کننده در حدود مشارکت غیر سیاسی مردم - به عنوان حق و تکلیف^۲ - است.

واضح است هر کدام از این پیش انگاره ها در جای خود، نیازمند بحث جدی است. ما نیز در مجالات مختلف راجع به عموم این پیش فرض ها، صحبت کرده و نوشته داریم و آن چه در این جا صورت می دهیم، اشاره ای است مختصر به نتایج آن تحقیقات بر اساس لیست پیش رو.^۴

- شریعت مطهر اسلام موسع بوده و شامل همه شئون انسان ها می شود؛ البته شیوه های اجرایی و تعیین مصداق ها از دامنه شریعت خارج است.
- مردم بر مال و شئون خویش تسلط دارند مگر در حوزه ها و قالب هایی خاص که شرع محترم منع کرده است.
- اسلام دارای نظام و خرده نظام ها از جمله نظام اقتصادی ویژه است. نصوصی متعدد مبین این نظام ها است.
- ولایت در غیر ولایت خداوند، محدود به حفظ مصلحت مولی علیه است. هرچند در راستای مدیریت، حق امر و نهی دارد.
- در نظام اقتصادی اسلام، اموال خصوصی، عمومی و بیت المال، فیء و مشترکات^۵ وجود داشته؛ هر کدام احکام خاص خود را دارد. بر والی است حتی در اموالی که از آن حکومت است، ملاحظه مصلحت موجودین و آیندگان را بنماید و هرگز مجاز به تصرف در این اموال به گونه تصرف در اموال شخصی نیست.
- مرزهای جغرافیایی و ملی، به ضرورت و خیر الطرق الممكنة پذیرفته می شود، لکن در اصل، مرزها محدود مالکیت و مصرف نیست.
- مردم صاحبان حق و امانت هایی هستند و نگاه ابزاری و از بالا به پایین به ایشان صحیح نیست؛ این نگاه احکام زیادی با خود دارد که در قرآن و کلمات معصومین به ویژه امیر حکیم^۶ - علیه السلام - بیان شده است.
- مشورت حق و تکلیف است تا جایی که پیامبر اسلام - ص - نیز مأمور به استشاره غیر صوری می شوند.^۷
- و...

۳. به ثنایی «حق و تکلیف» و اثری که این توسعه دارد، التفات لازم صورت گیرد.

۴. در این باره می توان فهرستی از نصوص مبین مشارکت مردم را - هر چند به طور غیر مستقیم - ذکر کرد. در ادامه به بخشی اندک از این نصوص اشاره می شود.

۵. واضح است که ردیف کردن این عناوین در کنار هم، گاه متفاوت می شود که بر بحث ما تاثیری ندارد.

۶. از جمله ر.ک: نهج البلاغه، (فیض الاسلام)، خطبه ۳۴، ص ۱۱۴؛ همان، نامه ۵۳، ص ۹۹۶؛ و...

۷. جمله * فاذا عزمتم فتوکل علی الله * نیز منافی آن چه بیان گردید، نیست.